

اجرا کند. قراری که به نظر بسیاری از کارشناسان تحقق نیافته است و همین مساله موجب ایجاد سوال و چالشی جدید شده است: ساختار نهادی که نمی‌تواند دولتی را ملزم به اجرای برنامه‌ای کند که توسط بالاترین مقام کشور به امضا و تایید رسیده است، چطور می‌تواند برنامه‌های بعدی را لازم الاجرا کند؟ و به همین دلیل آیا تدوین برنامه‌های آتی سودی دربر خواهد داشت؟

دو قسمت مهم انحراف دولت در این سال‌ها از برنامه چهارم توسعه و به تبع چشم‌انداز بودجه‌ی انساطی دولت و خصوصی‌سازی کردن می‌باشد.

در حالی که در برنامه چهارم توسعه قرار بر کاهش درآمدهای نفتی در بودجه کشور بود، به یکباره در اولین بودجه‌ای که توسط دولت نهم تدوین شد، این درآمدهای به بیش از یک و نیم برابر افزایش یافت تا شاهد بودجه‌ای به شدت انساطی باشیم. به همین دلیل است که الزام چشم‌انداز بیست ساله مبنی بر به صفر رساندن درآمدهای نفتی در بودجه‌ی دولت، به شوخی‌ای بیش نمی‌ماند.

مساله‌ی دیگر که موجب انحراف بسیار زیاد عملکرد دولت نهم در خصوص برنامه چهارم توسعه شده است، نحوه خصوصی‌سازی و کوچک کردن دولت می‌باشد. در حالی که خصوصی‌سازی در برنامه چهارم از مهمترین اهداف پیش‌بینی شده است و در راستای رسیدن سریع‌تر به اهداف چشم‌انداز در زمینه خصوصی‌سازی، اصل ۴۴ قانون اساسی مورد بازنگری واقع شد و توسط مقام معظم رهبری به دولت ابلاغ گردید، وضعیت بورس اوراق پهلوان تهران هم در این دو سال در مز بحران به سر برده است. و ساختمن سازمان بورس در زیر پل حافظ که در سال ۸۲ مملو از جمعیت بود، دو سالی است بیش از چند نفر در خود جای نمی‌دهد. واگذاری شرکت‌ها از طریق ورود شرکت‌ها به بازار سرمایه و بورس از شفاقت‌ترین راه‌ها برای خصوصی‌سازی است زیرا بعد نظارتی قوی تری نسبت به راه‌های دیگر دارد. اما دولت نهم با مطرح کردن سهام عدالت راهی را برای خصوصی‌سازی پیشنهاد داد که تجربه‌ی کشورهای دیگر همگی حاکی از این شکست بود. کشورهای نظیر چک که با کوپنی کردن سهام (همانند سهام عدالت) نتوانستند گذار خود از اقتصاد کمونیستی به اقتصاد سرمایه‌داری را به سلامت و مطابق برنامه پیش ببرند. اما تاکید دولت نهم بر خصوصی‌سازی از طریق سهام عدالت، به رغم تمام مخالفت‌ها ادامه یافت تا این که امروز شاهد آن باشیم که وضعیت بازار سرمایه در ایران در وضعیت خوبی به سر



## برنامه پنجم و نهادهای نظارتی

امیر جعفرزاده

### چشم‌انداز بیست ساله

اولین بار در تاریخ ایران که برنامه‌ای بیست ساله و بلندمدت مطرح و تدوین شد، اواسط دهه ۵۰ شمسی بود. در آن زمان این تصویر حاکم شده بود که نهایتاً تا سال بعد ذخیر نفتی ایران پایان می‌پذیرد. از این رو در برنامه‌ای بیست ساله بر قطعه واستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی تاکید و برنامه‌ریزی شد. اما دخالت‌های شاه که چندان به کارهای کارشناسی پهای لازم را نمی‌داد، به تعییر خود دلارهای نفتی را با تزریق بی‌رویه دیگر همکاری نفتی به جامعه، به آتش کشید.

اما بعد از انقلاب اولین بار در اواخر برنامه سوم توسعه بحث چشم‌انداز مطرح شد و مجمع تشخیص مصلحت نظام برنامه‌ای بیست ساله را تدوین کرد که هدفش رساندن اقتصاد ایران به سطح اول اقتصاد در کشورهای خاورمیانه است. بیست سالی که به سال ۱۴۰۴ شمسی منتهی خواهد شد؛ بیست سالی که شامل ۴ برنامه پنجم ساله توسعه می‌باشد و بیست سالی که با برنامه چهارم توسعه شروع شد. برنامه‌ای که توسط دولت هشتم تدوین شد و با تغییراتی در مجالس ششم و هفتم به تایید نهایی رسید. و قرار بر این بود که دولت نهم آن را

زمستان سال ۸۶ سال پرکاری برای دولتی است که چندان به تفکر اعتقاد ندارد. همان موقع که احمدی نژاد آمده‌ی به دست گرفتن دولت بود، در اظهارنظرهایش اعلام می‌کرد که دولت وظیفه‌اش اجرا است و نباید وقت خود را با بحث در خصوص مسایل پیرامون تلف کند. این بار اما این دولت مجبور است علاوه بر نوشتن بودجه، برنامه پنجم توسعه را طرح ریزی کند. دولتی که کمتر به برنامه چهارم بها می‌داد و معاون اول رییس این دولت برنامه ریزی برنامه چهارم را افراد سکولار و غرب‌زده می‌داند، می‌خواهد با اندیشه خاص خود برنامه پنجم توسعه را تدوین کند.

سوالی که در همین حین برای هر آشنا به مسایل اقتصادی و اجتماعی پیش می‌آید این است که تمهیدی به اجرای چنین برنامه‌ای توسعه دولت وجود دارد؟ چطور دولتی که حتی در همایش‌های مربوط به چشم‌انداز بیست ساله شرکت نکرده، می‌تواند برنامه‌ای در راستای اهداف چشم‌انداز بیست ساله بروزد و مهمتر از آن چه الزامی برای اجرای آن وجود دارد؟

برای بررسی این مسایل نگاهی به چشم‌انداز بیست ساله و برنامه چهارم و عملکرد دولت در این خصوص می‌اندازیم.

نهم در حال تدوین است، اعتمادی به اجرای همین برنامه نیست. این مساله هم به دلیل انحرافات جدی دولت نهم از برنامه چهارم توسعه و چشم انداز بیست ساله است. البته در این خصوص بیش از آن که دولت نهم مقصراً باشد، نهادهای ناظر باید پاسخگو باشند. زمانی که دولت جدیدی سر کار می‌آید به هر حال تمایلی به اجرای برنامه‌های قبلی ندارد. این نهادهای ناظر هستند که باید با الزام دولت به اجرای برنامه‌های بالادستی مانع انحراف دولت از آنها شوند. نهادهای ناظر هستند که باید با ایجاد رویه‌ها و حتی قوانینی هزینه‌های انحراف از برنامه‌های بالادستی را افزایش دهند. اما گواه تعارفات سیاسی مانع نظارت صریح و صحیح این نهادها شده است. مجلسی که باید در مقابل کوچکترین انحراف دولت از برنامه چهارم از خود عکس العمل قاطع و مناسبی نشان دهد، به دلیل این که خود را با دولت همسو نشان دهد، مبادرت به این کار نکرده است. تشخیص مصلحت نظام نیز نتوانسته نظارت‌های خود را به صورت دقیقی انجام دهد و مانع انحراف دولت از سند

اگر بدین شکل به این مساله نگاه کنیم خواهیم دید که دولت نهم مستی نظارت در ایران را در بالاترین سطح خود نشان داده است، و از این رو نظام برنامه‌ریزی و اجرای آن را به چالشی جدی فراخوانده است: چه نیازی.

نهادها و سازمان هایی برای نظارت بر اجرای  
صحیح برنامه های توسعه و چشم انداز در نظر  
گرفته نشده است و اگر هم چنین سازمان هایی  
هستند، وظایف خود را به درستی انجام نداده اند که  
امروز شاهد فاصله گسترده از مفاد برنامه چهارم  
توسعه و چشم انداز هستیم.

هزینه های پیروی مشتمل بر هزینه  
اندازه گیری صفات متعدد کالاها یا خدماتی که  
مبادله می شوند و هزینه های سنجش عملکرد  
کارگزاران هستند. در بسیاری از موارد اگر داشت  
فني را ثابت انگاریم، هزینه های اندازه گیری از  
منافع مبالغه پیشی می گيرد و وضع قوانین به صرفه  
نيست و حدود و ثور حقوق مالکيت تعين  
نمی شود. دگرگونی های داشت فني با قيمت هاي  
نسبي، منافع نسبی حاصل از وضع قوانين را تغيير  
م. دهد.

به همین دلیل است که اگر قرار بر اجرا نشدن برنامه‌ای است و الزاماً به اجرای آن نیست، با توجه به هزینه‌های بسیار زیاد تدوین چنین برنامه‌هایی، بهتر نیست که اصلاً چنین برنامه‌هایی تدوین نشوند؟ سوالی که باید از نهادهای تصمیم‌ساز دولتی و عمومی پرسید.

دیدگاه نہادگر ایان جدید

نمی‌برد. همین مساله موجب انحراف عملکرد دولت از برنامه چهارم توسعه و چشم‌انداز بیست ساله گردیده است.

دیدگاه نهاد گرایان جدید  
اکنون خلاصه ای از دیدگاه های نهاد گرایان  
جدید را در خصوص هزینه های پیروی و عدم پیروی  
از قوانین رسمی ارایه می دهیم:  
قوانین رسمی مشتمل اند بر قوانین سیاسی  
(و قضایی)، قوانین اقتصادی و قراردادها. سلسله  
مراتب چنین قوانینی، از قوانین اساسی گرفته تا  
مجموعه قوانین مصوب و قوانین عرفی،  
آیین نامه های ویژه و نهایتا قراردادهای فردی،  
معرف طیف محدودیت هایی است که یک سر آن  
قوانین عمومی است و سر دیگر آن موارد خاص  
قانونی. به هر حال باید به این نکته توجه کرد که  
وظیفه قوانین رسمی، تشویق خاصی از انواع مبادله  
است و نه تشویق هر نوع مبادله ای.  
قوانین عمدتا با توجه به هزینه های پیروی از  
مفاد قانون وضع می شوند، بدین معنا که شیوه هایی  
باید تدبیر کرد تا موارد نقض قانون کشف، دامنه ای  
نقض قانون (و زیان متعاقب وارد بر طرف دیگر  
مبادله) سنجیده و شخص متجاوز به قانون توفیق  
شود.  
و همین مساله است که پاشنه ای آشیل ساختار

و همین مساله است که پاشنه‌ی آشیل ساختار کشور ما در خصوص برنامه‌های ارزی است. این که

سازمان اسناد

پاکستانی ادبیات

#### 参考文献

فرم انتخاب را در میان موقای مذکور در فرم انتخاب را ممکن است از اینجا از پیش  
در متن انتخاب را در میان موقای مذکور در فرم انتخاب را ممکن است از اینجا از پیش

وَالْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنَاتُ وَالْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنَاتُ

وأيضاً سبب انتشار الفتن داخل مصر، أصله في إثيوبيا، حيث يعيشون في مدنها.

٢- انتشار مرض سكري في المجتمع العربي وارتفاع نسبة تناول السكراء في المجتمع العربي

۱۰- میل اینترکت پرستیج پرستیج - میل اینترکت پرستیج پرستیج - میل اینترکت پرستیج پرستیج

میر جوہری، فوجی، دہلی